

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارش ها

گزارشگران پورتال-افغانستان

۳۰.۱۱.۰۹

در افغانستان چه می گذرد؟ (۵۲)

کشف مواد انفجاری:

در اواخر ماه نومبر یک موتر مملو از مواد انفجاری در مهترلام کشف و توقیف شد. درین موتر که ۲۵۰۰ کیلو گرام مواد انفجاری با ۳۶ بشکه ۳۰ لیتری پترول جا به جا شده بود، حین ورود به داخل شهر مهترلام، مرکز ولایت لغمان توسط پولیس ضبط گردید. با این موتر سه نفر نیز دستگیر شدند. در صورتیکه این موتر با این همه مواد انفجاری در داخل شهر مهترلام منفجر میشد، دهها کشته بر جای میگذاشت. گرچه طالبان مسؤولیت این موتر مواد انفجاری را به عهده نگرفتند، اما همه میدانند که این مواد انفجاری مربوط آنها میباشد که از پاکستان وارد افغانستان شده بود.

انفجار یک رنجر نزدیک پوسته پولیس:

به روز پنجشنبه ۲۶ نومبر یک موتر رنجر پولیس که قبلاً به وسیله طالبان ربوده شده بود، با یک انتحاری در ولسوالی بالابلوک ولایت فراه، به پوسته پولیس نزدیک شده خود را منفجر ساخت که در اثر آن سه نفر پولیس به قتل رسیدند و چند تن دیگر زخمی شدند. ولسوالی بالابلوک در گذشته یکی از ولسوالی های ناآرام غرب افغانستان به شمار میرفت و بعد از عملیات بسیار گسترده نیروهای امریکایی مستقر درین ولایت مقر طالبان از این ولسوالی به شیوان انتقال یافت که در آن نیروهای قوی القاعده نیز مستقر گشتند و در مسیر راه فراه به هرات و فراه به قندهار که ازین قریه میگذشت، نه افراد دولتی و نه کاروانهای اکمال خارجی عبور و مرور کرده نمیتوانستند و با این عملیات گسترده، این قریه و قریه های مجاور آن کاملاً خالی شده و اکنون تمام مردم ازین مسیر عبور و مرور کرده میتوانند، ولی مردم می گویند که نیروهای اشغالگر این کار را به خاطر کاروانهای اکمالی خود و حمل و نقل ضروریات دولت پوشالی انجام داده اند.

طالبان اختلافات قومی را دامن میزنند:

به روز چهارشنبه ۲۵ نومبر یک تن از منتقدان قومی نورزایی ها به نام "معلم نثار احمد" و برادر کوچکش "سیداحمد" از قریه نوبهار ولایت فراه به وسیله گروپی از طالبان به قومندانی ملا ذاکر که مربوط به قوم بارکزایی است ربوده و به ولسوالی خاک سفید این ولایت برده شدند و بدون کمترین مکثی هردو برادر را به جرم نا معلومی سربریدند. درین ولسوالی که تماماً نورزایی ها زندگی دارند، با شنیدن این خبر مسلح شده و بر این گروپ حمله بردند و پنج تن ازین طالبان را به قتل رساندند. گرچه اداره امنیت ملی فراه خبر کشته شدن ملا ذاکر را تأیید نکرده اما مردم به این باورند که این ملای فاشیست یا کشته شده و یا از منطقه فرار کرده، در جای نا معلومی خود را از ترس لشکر قومی پنهان نموده است. مردم درین ولایت میگویند که ملا ذاکر چند جا خودش شمشیری را که گفته است در بدل ۶۰ هزار کلدار جهت گردن زدن مخالفانش خریده، برای مردم نشان داده است. وی قبلاً سیم برنده ای داشت که ابتدا در آتش داغ میکرد و بعد با یک پیچاندن به گردن مخالفان و کش کردن سر را از بدن جدا میکرد. کشته شدن این ملا برای مردم فراه چنان با اهمیت بود که وقتی خبر آن پخش شد در شهر و دهات یکی به دیگری تبریکی میدادند.

فرار طالبان از زندان دولت پوشالی:

همچنان شب شنبه ۲۸ نومبر ۱۳ نفر زندانی که در میان شان دو قومندان طالب نیز وجود داشت زندان شهر فراه را نقب زده و موفق به فرار ازین زندان شدند، نیروهای پولیس روز دوم عید تمام راه های شهر به بیرون را سد کرده و جهت یافتن این زندانیان، بعضی مناطق شهر را تلاشی میکردند. اما با تمام این کوشش ها چیزی به دست نیاوردند.

درین میان یک تن از دزدان مشهور ولایت فراه به اسم فخرالدین که با طالبان نیز در ارتباط بود و مردم سخت از او هراس داشتند، در قریه "کوک علیا" که ۲۰ کیلومتر از شهر فاصله دارد، شبانه به وسیله نیروهای پوشالی امنیت این شهر با برادرش محاصره شد و بعد از جنگی که تا صبح دوام کرد و تمام مرمی های این جنایتکار ختم شد، خود و برادرش به قتل رسیدند و مردم از شر یک جنایتکار بزرگ نجات یافتند.

قابل یاد آوریست که بناء به عوامل بسیاری درین چند سال خیل بزرگی از لومپن ها و رهنان در افغانستان زائیده شده که فقط با حمایت طالبان و جهادی ها به زور هست و بود مردم را به چپاول میکشند و برخی از آنان در شمال کشور با جنگسالاران جنایتکار در ارتباط قرار دارند و مورد حمایت آنان قرار میگیرند که یکی از آنان «صبغت» بود که سالها مردم را در کابل و شمال چپاول میکرد و با پولیس در کابل و طالبان در کنز روابط بسیار نزدیکی داشت و بعد توسط یک نیروی پولیس ویژه که از کابل به پلخمري فرستاده شد، در یک درگیری با چهار تن از محافظانش به قتل رسید. اما تا هنوز ۱۸۰۰ باند ازین قبیل شناسایی شده و با حمایت مستقیم شماری از دولتمردان پوشالی مسلح میباشند و بر هست و بود مردم بد مستی میکنند.

عید و نرخها:

تجارت در افغانستان در دست عده ای از کمپنی هایی قرار دارد که یا با غربی ها و یا کشور های منطقه در حالت دلالی قرار دارند. برخی از این کمپنی ها در روز های عید نرخ بسیاری از مواد مصرفی روزانه را بالا میبرند و

به این صورت بهانه عید را به میان می آورند. درین عید که مردم مجبور بودند برخی از مواد ارتزاقی، گوسفند، گاو و یا بز و لباس خریداری کنند، یک باره نرخ این مواد ۳۰ فیصد افزایش یافت، مخصوصاً که پاکستان یکماه قبل صدور گاو، گوسفند و بز را به افغانستان بند کرد. عموماً تاجران در روز های عید نرخ ها را چند فیصد افزایش میدهند و بعد از عید همان نرخ ها سنگگ شده و دوباره پائین نمی آید و به این خاطر از سال گذشته تا حال بیش از ۵۰ فیصد نرخها بالا میرود و دولت هم چون شعار اقتصاد بازار را میدهد و در رأس دولت هم پست ترین دلالاتی قرار دارند که قیزه دولت را در دست دارند، لذا هر گز به این فکر که زندگی توده های مردم چه میشود را در ذهن نداشته و هرچه جنایت در حق توده های مردم از دست شان بر می آید، همان را انجام میدهند.

بمباران در جنوب کشور:

به تاریخ ۲۹ نومبر حین عبور یک نیروی امریکایی از جنوب مرکز پکتیا، یک گروپ افراد مسلح که از قبل در آن منطقه جا به جا شده بودند، بر نیرو های امریکایی و افغان این کاروان حمله کردند که به زودی هلیکوپتر های کوچک اما جنگنده ای امریکایی سر میرسد و افراد مسلح را غافلگیر کرده و با بمباران شدیدی که صورت میگیرد، ۳۰ تن از آنها کشته و جسد عده ای در میدان نبرد باقی میماند تا اکنون کسی مسؤولیت این عملیات را نگرفته است.

۱۴ هزار زن هلمندی معتاد به مواد مخدر:

آخرین گزارش هایی که از هلمند بر اساس ارزیابی های چند مؤسسه که در مورد اعتیاد ارزیابی های خاصی داشته، اعلان کرده اند که در ولایت هلمند افغانستان بیش از ۱۴ هزار زن معتاد به مواد مخدر شده اند و علت اعتیاد آنها را اعتیاد شوهران این زنان دانسته اند. هلمند از ولایاتیست که به تنهایی نیمی از مواد مخدر افغانستان را تولید میکند و در مجموع در افغانستان ۲ میلیون نفر معتاد به مواد مخدر موجود است که از جمله ۱۲۰ هزار زن و ۶۰ هزار کودک نیز به این بلا گرفتار میباشند. بسیاری از کسانی که معتاد شده اند در ایران بوده و در آنجا به اعتیاد کشانده شده اند. این در حالیست که امسال در افغانستان ۱۲۳ هزار هکتار زمین زیر کشت خشخاش رفته که ۶۹۰۰ تن تریاک تولید داشته است. چون مصرف جهانی تریاک ۵۰۰۰ تن میباشد، لذا در تولید امسال تریاک در افغانستان ۱۹۰۰ تن اضافه تولید داشته است. این گزارش اعتیاد در حالی از هلمند میرسد که چند روز قبل اعلان شد که ۱۵ فیصد افراد اردوی پوشالی افغانستان نیز به مواد مخدر آلوده اند و به این صورت سرعت اعتیاد در افغانستان به شکل سرطانی پیش میرود.

امسال نسبت به هلمند حاصل تریاک در قندهار بسیار بالا بود، این در حالیست که ۳۰ هزار سرباز امریکایی با دو هزار کانادایی و استرالیایی در قندهار مستقر بوده و نه و نیم هزار سرباز انگلیسی با هفت هزار سرباز امریکایی و بیش از دو از هزار سرباز کانادایی و چکی در هلمند مستقر می باشند و قرار است به زودی نه هزار سرباز پیاده دیگر امریکایی هم در هلمند مستقر شوند و امریکا ظاهراً برای از بین بردن مواد مخدر در افغانستان ۸۰۰ میلیون دالر به مصرف میرساند. گزارشی در مورد مواد مخدر از جانب سازمان ملل امسال نشان میدهد که سالانه عاید تریاک در افغانستان ۹ میلیارد دالر است، این در حالیست که به باور بسیاری از تحلیلگران مواد مخدر افغانستان سالانه ۴۰۰ میلیارد دالر سود می آورد که ۲۰۰ میلیارد آن به جیب انگلیس ها و حدود ۱۹۸ میلیارد به جیب امریکایی

ها و بقیه به جیب زار عان، طالبان، قاچاقچیان منطقه و آنانی که در شهر های این منطقه مصروف پخش آن میباشند، سرازیر میگردد.

مزار شریف:

طبق گزارش یک تن از اهالی شهر مزار شریف که در داخل قاغوش های نیروهای اشغالگر المانی و سایر اشغالگران رفت و آمد تجاری دارد، به روز یک شنبه "۲۹.۱۱.۰۹" بیشتر عساکر المانی پیراهنی را به تن داشتند، که بر بالای آن عکس دو تانکر سوخته قندوز به چاپ رسیده بود.

شنیدن این خبر و درک نسبی اهمیت آن موجب گردید، تا یک تن از افرادی که زبان انگلیسی را بلد بود و از مواضع سیاسی ثابتی نیز در قبال اشغالگران برخوردار است با استفاده از پوشش تجاری آرنده خبر در معیت باوی، عصر آنروز دوباره به داخل کمپ المان ها و به تعقیب آن دوسه کمپ دیگر سر بزنند. جمله مورد نظر به زبان انگلیسی چنین نوشته بود: "Thou shalt not steal"

هر چند فردیکه به آنجا رفته بود به معنای دقیق کلمه و اهمیت سیاسی آن واقف نبود، مگر کوشش نمود تا یکی از پیراهن ها را خریداری نماید. که با تأسف موفق بدان کار نشده دست خالی از آنجا برگشت. قسمیکه دوستان انگلیسی دان گفتند، گویا جمله تجلیل از قاتلان فاجعه قندوز می باشد.*

*- خواننده عزیز، برای درک معنای واقعی آن جمله لطف نموده به نوشته همکار ما آقای "موسوی" زیر عنوان "قتل عام قندوز و پس لرزه های بیروکراتیک آن" در همین صفحه مراجعه نمایید.